



Factors of the Tradition of Istidraj in the Qur'an Using Thematic Analysis

Mohammad Hossein Kazemi¹

Mohammad Zare Bushehri²

Nemat Kazemi³

Received: 20/11/2021

Accepted: 22/02/2022

Abstract

The events related to the past tribes mentioned in the Holy Qur'an show the divine traditions that govern society, and the tradition of istidraj (a divine tradition of indulging sinners in His blessings and their oblivion of asking for His forgiveness before He gradually punishes and destroys them) is one of the most important. The realization of this tradition is due to factors that have a lot to do with the behavior of society and knowing those factors can prevent society from being saved from destruction and at the same time bring the tendency to spirituality and move towards the ideal civilization. In order to discover these causes, the present study has collected the clearest verses related to it and extracted the necessary data from them and analyzed and organized them through using the method of thematic analysis. In this study, the basic, organizing and comprehensive themes were carefully clarified using the thematic analysis method and

1. PhD Student in Islamic History, Baqir Al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author).
kmohamadhosein@ymail.com

2. Graduated from Islamic seminary and holding PhD in Shiite history, Qom, Iran. m.zare@urd.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Ma'arif, Islamic Azad University of Sanandaj, Sanandaj, Iran.
kazeminemat3@gmail.com.

* Kazemi, M. H., & Zare Bushehri, M., & Kazemi, N. (1400 AP). Factors of the Tradition of Istidraj in the Qur'an Using Thematic Analysis. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 3(9), pp. 11-41.

Doi: 10.22081/jqss.2022.62439.1153.

became the maps of the website network. The findings of this study indicate that the awareness of society by divine messengers to guide people and save the guided people, disobeying the teachings and fighting the divine messengers and fruitless attempts to guide, the spread of infidelity, oppression and sin in society, depriving people of Allah's grace due to lack of circumspection and understanding of the condition, delay of torment until the appointed time are the causes of the tradition of istidraj.

Keywords

The Qur'an, Divine traditions, tradition of istidraj, method of thematic analysis.

عوامل تحقق سنّة الاستدراج في القرآن بالاستفادة من أسلوب تحليل المضمون (Thematic Analysis)

محمد حسين الكاظمي^١ محمد زارع البوشهري^٢ نعمة الكاظمي^٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١ / ١١ / ٢٠ تاريخ القبول: ٢٠٢٢ / ٠٢ / ٢٢

الملخص

تشير الأخبار المذكورة في القرآن الكريم عن الحوادث التي مرّت على الأمم السابقة إلى السنن الإلهية الحاكمة على المجتمعات، وسنّة الاستدراج هي واحدة من أهمّ هذه السنن. والسبب في تحقّق هذه السنّة هي عوامل لها ارتباطها الوثيق بسلوكيات أفراد تلك المجتمعات، ومعرفة هذه العوامل يمكن أن يساهم في إنقاذ المجتمعات من الهلاك، ويعمل في نفس الوقت على ترسيخ الجانب المعنوي لتلك المجتمعات وحركتها نحو التمدّن المنشود. والمقال الحالي يسعى لاكتشاف هذه العلل من خلال تجميعه لأكثر الآيات صراحةً حول هذا الموضوع، واستخلاص المعلومات اللازمة منها، ومن ثمّ القيام بتحليل وتنظيم هذه المعلومات بأسلوب تحليل المضمون. وفي هذا التحقيق اتّضحت بدقّة مضامين أساسية ومنظمة وشاملة بالاستفادة من أسلوب تحليل المضمون، انعكست بصورة مخطّطات توضيحية. أمّا نتائج التحقيق فتشير إلى أنّ توعية المجتمع

١. طالب دكتوراه في التاريخ الإسلامي بجامعة باقر العلوم، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

kmohamadhosein@gmail.com

٢. خريج الحوزة العلمية، ودكتوراه في تاريخ التشيع، قم، إيران.

m.zare@urd.ac.ir

٣. مساعد أستاذ في قسم المعارف بجامعة سنندج الإسلامية الحرة، سنندج، إيران.

kazeminemat3@gmail.com

* الكاظمي، محمد حسين؛ زارع البوشهري، محمد؛ والكاظمي، نعمة. (١٤٤٣). عوامل تحقّق سنّة الاستدراج في القرآن بالاستفادة من أسلوب تحليل المضمون. مجلة دراسات في العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٣(٩)، صص ١١ - ٤١.
Doi: 10.22081/jqss.2022.62439.1153

من قبل أنبياء الله ورسله إنما هو لهداية الناس ونجاة المهتدين منهم، وإنّ مخالفة هذه التعاليم وعصيان أوامر رسل الله والوقوف بوجه مساعيهم للهداية، وانتشار الكفر والظلم والذنوب في المجتمع، والحرمان من لطف الله نتيجة سوء التدبير وعدم إدراك الظروف، وتأخير العذاب حتّى مجيء الوقت المقرّر هي علل تحقّق سنّة الاستدراج.

المفردات المفتاحية

القرآن، السنن الإلهية، سنّة الاستدراج، أسلوب تحليل المضمون

عوامل جریان سنت استدراج در قرآن با استفاده از روش تحليل مضمون (Thematic Analysis)

محمدحسین کاظمی^۱ محمد زارع بوشهری^۲ نعمت کاظمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

چکیده

رخدادهای مربوط به اقوام گذشته که در قرآن کریم آمده، نشان از سنت‌های الهی حاکم بر جامعه دارند که سنت استدراج یکی از مهم‌ترین آنها است. تحقق این سنت معلول عواملی است که ارتباط زیادی با رفتار افراد جامعه دارند و شناخت آن عوامل می‌تواند مانع نجات جامعه از نابودی شود و در عین حال گرایش به معنویت و حرکت به سوی تمدن مطلوب را به ارمغان آورد. پژوهش حاضر با هدف کشف این علل، روشن‌ترین آیات مربوط به آن را گردآوری و داده‌های لازم را از آنها استخراج کرده و با استفاده از روش تحلیل مضمون به تحلیل و سازماندهی آنها پرداخته است. در این تحقیق مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر با استفاده از روش تحلیل مضمون به‌دقت روشن شد و به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما درآمد که در نهایت یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت‌شده، سرپیچی از تعالیم و مقابله با فرستادگان الهی و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها برای هدایت، فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه، محرومیت از لطف خدا بر اثر بی‌تدبیری و عدم درک شرایط، تأخیر عذاب تا رسیدن زمان مقرر علل جریان سنت استدراج هستند.

کلیدواژه‌ها

قرآن، سنت‌های الهی، سنت استدراج، روش تحلیل مضمون.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران «نویسنده مسئول». kmohamadhosein@ymail.com
۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکتری تاریخ تشیع، قم، ایران. m.zare@urd.ac.ir
۳. استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سنندج، ایران. kazeminemat3@gmail.com

* کاظمی، محمدحسین؛ زارع بوشهری، محمد و کاظمی، نعمت. (۱۴۰۰). عوامل جریان سنت استدراج در قرآن با استفاده از روش تحلیل مضمون. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۹)، صص ۱۱-۴۱.

Doi: 10.22081/jqss.2022.62439.1153

مقدمه

یکی از سنت‌هایی که آیات فراوانی در قرآن به آن اختصاص دارد، سنت استدراج است که تحقق این سنت باعث ازین رفتن تدریجی یک جامعه می‌شود. عواملی چند که با رفتارهای افراد جامعه و سبک زندگی آنان ارتباط مستقیمی دارد، موجب جریان این سنت الهی می‌گردد، به گونه‌ای که می‌توان آن را نتیجه رفتارهای افراد آن جامعه دانست.

وجود ارتباط میان رفتارهای افراد جامعه و تحقق این سنت، ضرورت پژوهش در این زمینه را مشخص می‌کند؛ زیرا شناخت افراد جامعه نسبت به این سنت و توجه به آن، باعث سالم‌سازی فضای جامعه و دوری از رفتار ناشایست، اصلاح سبک زندگی، حرکت به سوی معنویت و تبعیت از آموزه‌های دینی می‌شود و می‌تواند ضمن نجات جامعه از نابودی، زمینه‌ساز حرکت به سوی یک تمدن مطلوب گردد.

پژوهش حاضر با درک این ضرورت که در فراز و فرود تمدن‌ها در طول تاریخ عوامل مختلفی مؤثر بوده، کوشیده است تا با مراجعه به آیات قرآن کریم سنت استدراج را مورد مطالعه قرار داده، عوامل جریان آن را مشخص نماید و در واقع در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که «قرآن کریم چه عواملی را باعث جریان سنت استدراج معرفی می‌کند».

در این پژوهش داده‌های اولیه از آیات قرآن گردآوری و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون سازماندهی و تحلیل می‌شود تا به سؤال پژوهش پاسخ داده شود. به همین منظور روش تحلیل مضمون و نحوه استفاده پژوهش حاضر از آن را نیز توضیح خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

آثاری که درباره این سنت بحث کرده‌اند بر دو گونه‌اند: گونه اول آثاری که این سنت را در میان سنن دیگر مطرح کرده‌اند، برای نمونه: محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۶۸) جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، محمد محمدی گیلانی (۱۳۷۵)، قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر. گونه دوم آثاری هستند که به صورت مستقل به این سنت توجه داشته‌اند، برای نمونه: برخی مراکز و افراد مانند: مرکز معارف قرآن (۱۳۸۶) «استدراج سقوط گام

به گام» و الحسنی ریاض هاشم هادی (۱۴۲۹ق)، «الاستدراج فی القرآن الکریم و السنه النبویه الشریفه»، مجله الکیه العلوم الاسلامیه، علی معموری (۱۳۸۶)، «بررسی سنت استدراج در قرآن و میراث تفسیری». نکته‌ای که در تمام این آثار وجود دارد عدم تمرکز آنان به علل جریان این سنت است که پژوهش حاضر به آن توجه داشته و به عواملی پرداخته است که باعث به جریان افتادن این سنت می‌شوند و از این جهت با دیگر تحقیقات متمایز است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت از لحاظ هدف گذاری از موارد پیشین متمایز است. روش تحقیق اثر حاضر نیز تفاوت دیگر آن با پژوهش‌های پیشین است که با استفاده از تحلیل مضمون داده‌های قرآنی را ساماندهی کرده و به کشف مضامین پرداخته است. بررسی‌های نگارندگان این مقاله نشان می‌دهد تا کنون پژوهشی که به ترسیم شبکه مضامین عوامل جریان سنت استدراج به کمک روش تحلیل مضمون پردازد، انجام نشده که این مسئله نشان از نوآوری مقاله و بدیع بودن موضوع آن در فضای علمی کشور است.

۱۳

مُطَالَعَةُ عِلْمِ الْقُرْآنِ

عوامل جریان سنت استدراج در قرآن با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis)

۱. تحلیل مضمون

«تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

تحلیل مضمون در کمترین حالت، مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (خنیر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۳).

مضمون در این روش غالباً به مثابه الگویی است که مبین نکته جالبی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود (شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹)؛ به عبارت دیگر مضمون یا تم (Theme) ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی در مورد سؤالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده است و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (خنیفر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۴)؛ به همین علت شناخت مضمون، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد؛ اما برای شناخت مضمون باید مسائلی را در نظر داشت:

اول: شناخت مضمون هرگز به معنی صرفاً یافتن نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد؛ از چه چیزهایی باید صرف نظر و چگونه داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؛ در واقع مضمون شناسایی شده باید نقش مهم و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد.

دوم: واژه مضمون به‌طور ضمنی و تا حدی، مبین تکرار است؛ پس مسئله‌ای را که صرفاً یکبار در متن داده‌ها ظاهر شود، نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به‌طور معمول، تکرار به معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است.

سوم: مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشند. هم‌پوشانی در میان مضامین تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین مختلف نباشد، نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد (خنیفر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۱؛ شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱).

محققان در تحلیل مضمون از چهار روش بهره برده‌اند (برای اطلاعات بیشتر نک: شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۱۶۵-۱۷۲) که روش شبکه مضامین (Network Thematic) یکی از آنها است و در این پژوهش استفاده شده است.

این روش را «آتراید - استرلینگ» (Attrid-Stirling) توسعه داد و آنچه عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلیخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

باید به این نکته توجه داشت که یک شبکه مضمونی ابزار و تصویری برای تفسیر متن است و نتایج حاصل از آن متن را برای محقق و خوانندگان روشن می‌کند (نک: شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).

در پژوهش پیش رو مراحل انجام این روش شبکه مضامین برای استخراج عوامل جریان سنت استدراج در قرآن کریم به مرحله انجام می‌شود.

در اجرای این روش ابتدا روشن‌ترین آیات مربوط به سنت استدراج گردآوری شده و پس از طی فرایند تحلیل مضمون تلاش می‌کنیم تا به مفاهیم دارای سطح‌بندی برسیم. منظور از سطح مفاهیم آن است که برخی مضامین که مهم‌تر هستند در جایگاه مرکزی قرار بگیرند و سایر مضامین نیز پیرامون آنان سازماندهی شوند که در نتیجه توصیفی غنی از مجموعه داده‌ها به‌دست می‌آید و علل جریان سنت استدراج روشن می‌شود.

در این پژوهش برآنیم تا توصیفی غنی و جامع از کل داده‌ها عرضه کنیم، به‌گونه‌ای که خواننده بتواند مضامین مهم یا برجسته مجموع این آیات را بشناسد. همچنین مضامین به روش استقرایی (مبتنی بر داده) شناسایی می‌شوند که به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990, p. 85) و تحلیل نیز براساس همین داده‌ها انجام می‌شود. مطلب دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار داشته این است که مضامین در سطح مشهود، با توجه به معانی ظاهری داده‌ها شناخته شده‌اند و در مقام تحلیل به دنبال چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نبوده‌ایم (شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۱۷۴-۱۷۵).

۲. معنای واژگان

۱.۲. سنت

سنت در لغت به معنای راه و روشی است که مستمر است و به صورت عادت درآمده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ به عبارت دیگر می‌توان به جریان آسان و مستمر چیزی سنت گفت، البته این جریان امری منضبط بوده که ممکن است در سخن، عمل یا صفتی نمود پیدا کند و با اختلاف موارد ضوابط آن نیز مختلف شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، صص ۲۳۶-۲۳۷).

معنای سنت در میان مفسران با معنای آن نزد اهل لغت نزدیکی فراوانی دارد و مفسران نیز سنت را به معنای راه و روش معمول و رایج گرفته‌اند که در اکثر یا تمام موارد جاری می‌شود و به روشی که یک یا دو مرتبه انجام شود، سنت اطلاق نمی‌کنند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۵۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

۲.۲. استدراج

این واژه از ریشه «درج» به معنای اندک‌اندک گام برداشتن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۱) و حرکت یک شیء یا حرکت در ضمن یک شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۵) و درهم پیچیدن اشیا (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۲۱) و مرگ و فنا (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۱۳) است که در همه کاربردهایش متضمن معنای تدریج و نوعی حرکت صعودی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۸۲) یا نزولی (ابن جوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۹۵؛ طبرسی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۱۵) است. در صناعت ادبی استدراج که در مباحثات و مجادلات به کار می‌آید، به این گونه است که شخص از مسیری پنهان و با جلب نظر تدریجی مخاطب، او را به نحوی به پذیرش مدعای خویش وادار می‌کند (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۷۶).

مراد ما از سنت استدراج در این پژوهش عبارت است از: نزدیک‌شدن تدریجی و

غیرمستقیم کافران و فاسقان به هلاکت و عذاب، بر اثر اصرار بر کفر و گناه که پس از مراحل هدایت و آزمایش از یک سو و تکذیب و رویگردانی انسان از سوی دیگر به اجرا درمی آید.

۲-۲-۱. استعمالات قرآنی استدراج

مشتمقات واژه استدراج دوبار در قرآن به کار رفته است (اعراف، ۱۸۲؛ قلم، ۴۴). با واژه‌های دیگر نیز در قرآن کریم به سنت استدراج اشاره شده است که در ادامه مقاله به آنها اشاره می‌گردد.

مفهوم استدراج در قرآن به معنای فروکشیدن تدریجی افراد به سوی مقصد و سرانجامشان (ابن قتیبه، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶؛ شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۱) یا درهم‌پیچیدن زندگی و وجودشان از طریق اغفال آنها از یاد خدا است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۱؛ نحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۷۱؛ مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، صص ۳۲-۳۴) که اعطای نعمت و آسایش بیشتر در این فرایند نقشی اساسی دارد. انسان‌هایی که از هدایت‌ها و آزمایش‌های گوناگون خداوند برای هدایت، تأثیر مثبت نمی‌پذیرند، در آخرین مرحله به آنان مهلت داده شده، سپس رها می‌گردند و حتی زمینه‌ها و امکانات سقوط نیز برایشان مهیا می‌شود و به تدریج به سرانجام شوم خویش نزدیک شده، ناگاه به عذاب خداوندی دچار می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۳۴۷).

۲-۳. الفاظ دارای معنای استدراج در قرآن

در آیات فراوانی بدون اشاره به واژه استدراج به این سنت اشاره شده است؛ برای نمونه چند واژه ذکر می‌گردد.

۲-۳-۱. واژه کید

از واژه‌هایی که به سنت استدراج اشاره دارد، واژه «کید» است: «وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ

کیدی مَتَّيْنٌ؛ و به آنان مهلت می‌دهم که تدبیر من استوار است» (اعراف، ۱۸۳).

۲-۳-۲. واژه املاء

از دیگر واژه‌هایی که در قرآن به سنت استدراج اشاره دارد، واژه «املاء» است: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُؤْتِيهِمْ لَهْمًا خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُؤْتِيهِمْ لَهْمًا لِيُزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند، تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم، برای آنان نیکو است؛ ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آن‌گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت» (آل عمران، ۱۷۸). علامه طباطبایی این آیه را از آیاتی می‌شمرد که سنت استدراج را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۷۹).

۲-۳-۳. واژه استهزاء

واژه «استهزاء» نیز در برخی آیات مرتبط با سنت استدراج است مانند: «وَيَذَاكُنَّهُمْ سَيِّئَاتٌ مَّا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ و [حقیقت] بدی‌هایی که کرده‌اند بر آنان پدیدار می‌شود و آنچه را که بدان ریشخند می‌کردند، آنان را فرو می‌گیرد» (جاثیه، ۳۳؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۰۳).

۳. مضامین مرتبط با علل جریان سنت استدراج در قرآن کریم

۳-۱. استخراج مضامین پایه‌ای از متن

در روش تحلیل مضمونی ابتدا از متن اصلی که در اینجا آیات قرآن کریم است مضمون‌های پایه‌ای استخراج و در قالب کدهایی ساماندهی می‌شود. هریک از آیات مربوط به سنت استدراج دارای مضمونی است که با خواندن آن آیه به ذهن متبادر می‌شود و به آن مضمون پایه‌ای گویند. در این قسمت ما برای هر مضمون پایه‌ای یک آیه را از میان آیات مربوط به این مضمون به‌عنوان نمونه انتخاب کرده و در جدول شماره ۱ می‌آوریم.

جدول شماره ۱: استخراج مضامین پایه‌ای از متن قرآن

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۱	«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛ بگو ای مردم من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم» (حج، ۴۹)	فرستادن هشدار دهنده
۲	«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ؛ و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند» (اعراف، ۹۴)	فرستادن پیامبر
۳	«وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكُمْ؛ و بی گمان فرستادگان پیش از تو (نیز) مسخره شدند» (رعد، ۳۲)	تمسخر فرستادگان
۴	«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ؛ و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم» (انعام، ۱۱۲)	دشمنی با پیامبران
۵	«وَأَيُّ قَوْمٍ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ نَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ؛ و ای قوم من شما بر حسب امکانات خود عمل کنید. من [نیز] عمل می‌کنم. به‌زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من (هم) با شما منتظرم» (هود، ۹۳)	وعده عذاب الهی از سوی پیامبران
۶	«حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ؛ تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند» (یوسف، ۱۱۰)	ناامیدی فرستادگان
۷	«إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ؛ که ما [شر] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد» (حجر، ۹۵)	یاری فرستادگان از سوی خدا
۸	«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا؛ و نوح گفت پروردگارا هیچ‌کس از کافران را بر روی زمین نگذار» (نوح؛ ۲۶)	درخواست نابودی کفار توسط پیامبران

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۹	«فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا؛ و چون هشدار دهنده‌ای برای ایشان آمد جز بر نفرتشان نیفزود» (فاطر، ۴۲)	بی‌تاثیر بودن تلاش هشدار دهنده
۱۰	«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ؛ و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم» (اعراف، ۱۷۲)	گواهی گرفتن از مردم
۱۱	«أَلَمْ أَعْهَدْ لِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ؛ ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید» (یس، ۶۰)	یادآوری پیمان‌های الهی
۱۲	«فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ؛ در نتیجه به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند در دل‌های‌شان تا روزی که او را دیدار می‌کنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد» (توبه، ۷۷)	خلف وعده با خدا
۱۳	«فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُدَيِّقُنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ؛ پس بدون شک کسانی را که کفران کرده‌اند به آنچه انجام داده‌اند آگاه خواهیم کرد و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشاند» (فصلت، ۵۰)	وعده عذاب از سوی خدا
۱۴	«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ؛ خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود، بی‌راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند، برایشان بیان کرده باشد» (توبه، ۱۱۵)	آگاه کردن مردم
۱۵	«يَا أَيُّهَا النَّاسُ ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛ ای مردم نعمت خدا را بر خود یاد کنید» (فاطر، ۳)	یادآوری نعمت‌های الهی

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۱۶	«كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ این گونه آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند به تفصیل بیان می‌کنیم» (روم، ۲۸)	بیان آیات الهی
۱۷	«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت» (اعراف، ۱۸۲)	تکذیب آیات الهی
۱۸	«أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ؛ (آری) آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند» (کهف، ۱۰۵)	انکار آیات الهی
۱۹	«الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ؛ کسانی که درباره آیات خدا بدون حجتی که برای آنان آمده باشد مجادله می‌کنند» (غافر، ۳۵)	مجادله در آیات الهی
۲۰	«وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ و [حقیقت] بدی‌هایی که کرده‌اند بر آنان پدیدار می‌شود و آنچه را که بدان ریشخند می‌کردند آنان را فرو می‌گیرد» (جاثیه، ۳۳)	تمسخر آیات الهی
۲۱	«إِذَا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ (همان که) چون آیات ما بر او خوانده شود گوید [اینها] افسانه‌های پیشینیان است» (مطففین، ۱۳)	تهمت به آیات الهی
۲۲	«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند. ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند» (انعام، ۴۴)	فراموشی اندررها
۲۳	«فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد» (انعام، ۴۵)	ظلم

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۲۴	«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ؛ خدا به‌هیچ‌وجه به مردم ستم نمی‌کند، لیکن مردم خود به خویشتن ستم می‌کنند» (یونس، ۴۴)	ظلم بر خویشتن
۲۵	«فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ؛ پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند، در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند» (یونس، ۱۱)	طغیان
۲۶	«وَتَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ؛ و آنان را رها می‌کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند» (انعام، ۱۱۰)	سرگردانی
۲۷	«فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید» (حدید، ۱۶)	سنگ‌دلی
۲۸	«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند» (اعراف، ۹۹)	خود ایمن‌پنداری
۲۹	«فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد می‌گوید. پروردگارم مرا گرامی داشته است و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند، می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است» (فجر، ۱۵-۱۶)	عدم درک آزمایش
۳۰	«الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ ضُنُوءًا؛ [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند» (کهف، ۱۰۴)	پندار غلط در مورد اعمال
۳۱	«فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا؛ خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان در آمد» (حشر، ۲)	محاسبات اشتباه

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۳۲	«أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا؛ أَيَا أَنْ كَسَّ كَسَّ زَشْتِي كَرْدَارَش زِيَا دِيدَن كَرْدَار زَشْت برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند» (فاطر، ۸)	زیبا دیدن کردار زشت
۳۳	«تُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ؛ [از آن روی است که] می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم [نه] بلکه نمی‌فهمند» (مؤمنون، ۵۶)	بی توجهی به کمک خداوند
۳۴	«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْفِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛ أَيَا كَسَانِي كَه كَارَهَائِي بَدِي كَنَنْدِي مِي پِنْدَارَنْدِي كَه بِر مَا پيشِي خَوَاهَنْدِي جَسْت. چَه بَد دَاوَرِي مِي كَنْدِي» (عنكبوت، ۴)	داوری و پیش‌بینی نادرست
۳۵	«وَوَظَّنَّ أَهْلُهَا أَنْ هُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا؛ وَاهِلْ أَنْ پِنْدَاشْتَنْدِي كَه أَنْانِ بَرِ أَنْ قَدْرَتِ دَارَنْدِي» (یونس، ۲۴)	توهم قدرت
۳۶	«وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ؛ وَبِي گِمَانِ بَسِيَارِي از مَرْدَمِ از نَشَانَهَائِي مَا غَافِلِ أَنْدِي» (یونس، ۹۲)	غفلت
۳۷	«قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتْهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَنْ دُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ؛ [قَارُونَ] كَفْتِ مَن اَيْنَهَارَا دَر نَتِيجه دَانَش خُود يَافْتَهَام» (قصص، ۷۸)	غرور
۳۸	«وَكَمُ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ بَطَرَتْ مَعِيْشَتَهَا؛ وَچَه بَسِيَارِ شَهْرَهَا كَه هَلَاكَش كَرْدِيْمِي؛ [زِيْرَا] زَنْدِگِي خُوش اِنَهَارَا سَرْمَسْت كَرْدَه بُوْد» (قصص، ۵۸)	سرمستی
۳۹	«ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ؛ بَگَدَارَشَانِ تَا بَخُورَنْدِي وَبِرْخُورْدَارِ شُونْدِي وَاَرَزُو[هَا] سَرگَرْمَشَانِ كَنْدِي. پَس بَه زُودِي خَوَاهَنْدِي دَانَسْت» (حجر، ۳)	آرزومندی
۴۰	«الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ؛ شَيْطَانِ اِنَانِ رَا فَرِيْفْت» (محمد، ۲۵)	فریب شیطان
۴۱	«وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيْقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ وَقَطْعًا شَيْطَانِ گِمَانِ خُودِ رَا دَر مَوْرِدِ اِنَهَا رَاسْت يَافْتِ وَجَزِ گِرُوهِي از مُؤْمِنَانِ (بَقِيَه) از او پِيروِي كَرْدَنْدِي» (سبا، ۲۰)	پیروی از شیطان

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۴۲	«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده» (جاثیه، ۲۳)	هوسرانی
۴۳	«فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا؛ پس به رفیقش درحالی که با او گفتگو می کرد گفت مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم» (کهف، ۳۴)	فخر فروشی
۴۴	«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است» (روم، ۴۱)	گسترش فساد
۴۵	«ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ؛ بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند» (انعام، ۹۱)	سرگرم شدن به باطل
۴۶	«فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَّكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا؛ شما را چه شده است که درباره منافقان دو دسته شده‌اید با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است» (نساء، ۸۸)	نفاق و تمایل به منافقان
۴۷	«يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا؛ این گونه خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می نهد» (غافر، ۳۵)	تکبر
۴۸	«وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ؛ و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند» (نساء، ۳۸)	ریا کاری
۴۹	«وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است» (آل عمران، ۵۴)	مکر
۵۰	«سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرُرِ؛ به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست» (قمر، ۲۶)	دروغ
۵۱	«وَإِنَّ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَتَوْسَّ قَنُوطًا؛ انسان از دعای خیر خسته نمی شود و چون آسیبی به او رسد مایوس [و] نوید می گردد» (فصلت، ۴۹)	ناامیدی

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۵۲	«وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ و بسیاری از آنها فاسق بودند» (حدید، ۱۶)	فسق
۵۳	«يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا؛ نعمت خدا را می‌شناسند اما باز هم منکر آن می‌شوند و بیشترشان کافرند» (نحل، ۸۳)	انکار نعمت در عین شناخت
۵۴	«وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کردند، چه زبانی برایشان داشت» (نساء، ۳۹)	عدم انفاق
۵۵	«حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ؛ تا وقتی خوش گذرانان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم» (مومنون، ۶۴)	خوشگذرانی
۵۶	«الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ اکنون درحالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهاکاران بودی» (یونس، ۹۱)	نافرمانی
۵۷	«وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ؛ و جز با (حال) کسالت نماز به جا نمی‌آورند و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند» (توبه/۵۴)	بی‌حالی و کم‌توجهی به اعمال نیک و عبادات
۵۸	«فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند» (اعراف، ۹۹)	زیانکاری
۵۹	«إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ؛ آری فرعون و هامان و لشکریان آنها خطا کار بودند» (قصص، ۸)	خطا کاری
۶۰	«وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ؛ و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد» (مطففین، ۱۲)	تجاوزگری
۶۱	«فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرُّجَرَ إِلَىٰ أَجْلِ هُمْ بِالْعُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ؛ و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان‌شکنی کردند» (اعراف، ۱۳۵)	پیمان‌شکنی

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۶۲	«وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْتِنِّي لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا؛ و از آنان کسی است که می‌گوید مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز هشدار که آنان خود به فتنه افتاده‌اند» (توبه، ۴۹)	فتنه‌گری
۶۳	«كُلُّوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا اِنْكُمْ مُّجْرِمُونَ؛ ای کافران! بخورید و اندکی برخوردار شوید که شما گناهکارید» (مرسلات، ۴۶)	گناهکاری
۶۴	«كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُؤْسِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ این گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است» (یونس، ۱۲)	اسراف
۶۵	«اُدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ؛ نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی در دنیایتان [خودخواهانه] صرف کردید» (احقاف، ۲۰)	صرف نعمت‌ها در زندگی دنیا
۶۶	«قَالَ مُتَرَفُوهَا اِنَّا وَجَدْنَا اَبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى اَنۡاٰرِهِمۡ مُّفْتَدُونَ؛ خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راه‌پیمیم» (زخرف، ۲۳)	پیروی از نیاکان گمراه
۶۷	«اِنَّكَ اِنْ تَدْرَهُمْ يَضِلُّوْا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوْا اِلَّا فَاۡجِرًا كَفَّارًا؛ چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنایند» (نوح، ۲۷)	گمراه کردن بندگان
۶۸	«وَالَّذِيْنَ يَنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ؛ و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند» (نساء، ۳۸)	ایمان‌نیابردن
۶۹	«الَّذِيْنَ يَكْذِبُوْنَ يَوْمِ الدِّينِ؛ آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند» (مطففين، ۱۱)	تکذیب قیامت
۷۰	«اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ؛ آنها گفتند ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم» (سبأ، ۳۴)	کفر
۷۱	«وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ نَسُوا اللّٰهَ؛ و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند» (حشر، ۱۹)	فراموشی خداوند

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۷۲	«قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا؛ بگو هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد» (مریم، ۷۵)	گمراهی
۷۳	«إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا؛ آن‌گاه که ما را وادار می‌کردید که به خدا کافر شویم و برای او همتیانی قرار دهیم» (سبأ، ۳۳)	شرک
۷۴	«وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا؛ و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد» (کهف، ۵۷)	نپذیرفتن هدایت
۷۵	«وَوَطِّئُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ؛ و بر دل‌های‌شان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند» (اعراف، ۱۰۰)	مهرشدن دل‌ها
۷۶	«أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ؛ [آری] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباہ گردید» (کهف، ۱۰۵)	حبط اعمال
۷۷	«اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمْدُدُ لَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ؛ خدا [است که] ریشخندشان می‌کند و آنان را در طغیان‌شان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند» (بقره، ۱۵)	رهاشدن توسط خداوند
۷۸	«وَلَكِنْ لَعْنَهُمْ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد؛ در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند» (نساء، ۴۶)	لعن شدن
۷۹	«وَوَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ خدا بر ایشان خشم نموده» (فتح، ۶)	خشم الهی
۸۰	«وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ؛ و بدین‌گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم» (انعام، ۵۳)	آزمایش مردم
۸۱	«فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ و فرزندانشان تو را به شگفت نیابرد جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود» (توبه، ۵۵)	فراوانی نعمت

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۸۲	«وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ؛ و به آنان مهلت می‌دهم که تدبیر من استوار است» (اعراف، ۱۸۳)	مهلت دادن
۸۳	«فَدَرَزَهُمْ يَحْوُضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يَلْأُقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يوعَدُونَ؛ پس بگذارشان یاهو گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند ملاقات نمایند» (معارج، ۴۲)	رسیدن زمان مقرر
۸۴	«وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ؛ و چه بسا شهری که مهلتش دادم، درحالی که ستمکار بود؛ سپس [گریبان] آن را گرفتم و فرجام به سوی من است» (حج، ۴۸)	عدم استفاده از مهلت الهی
۸۵	«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ؛ و درحقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم. باشد که عبرت گیرند» (اعراف، ۱۳۰)	فرستادن بلای مقطعی برای عبرت آموزی
۸۶	«وَلَا هُمْ يَنْقُذُونَ؛ و روی نجات نمی‌بینند» (یس، ۴۳)	بسته شدن راه نجات
۸۷	«كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ؛ سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم؛ زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم» (یونس، ۱۰۳)	نجات مؤمنان
۸۸	«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْمٍ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امت‌ها را هلاک کردیم [امت‌هایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم» (انعام، ۶)	عبرت نگرفتن از امت‌های هلاک شده
۸۹	«إِنْ نَشَأْ نُخَسِّفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ؛ آیا به آنچه از آسمان و زمین در دست‌رستان و پشت سرشان است ننگریسته‌اند» (سبأ، ۹)	بی توجهی به نشانه‌های عذاب
۹۰	«أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ؛ آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان درحالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد» (اعراف، ۹۷)	عذاب ناگهانی

۲-۳. تبدیل مضامین پایه‌ای

پس از دست‌یافتن به مضامین پایه‌ای که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، باید مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر را با توجه به مضامین پایه‌ای به دست آورد. در این مرحله از تحلیل مضمونی باید تلاش کرد تا با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای و ترکیب و تلخیص آنها با یکدیگر، مضامین انتزاعی تری را به دست آورد (Attrid - Stirling, 2001, p. 388) تا به وسیله آن به مضمون‌های مهم‌تر و فراگیرتر برسیم.

جدول شماره ۲: استخراج مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر از مضامین پایه‌ای

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	فرستادن هشداردهنده	ارسال فرستاده از سوی خداوند	آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت شده
۲	فرستادن پیامبر		
۳	وعده عذاب الهی از سوی پیامبران	آموزش و هدایت مردم به وسیله فرستادگان الهی	
۴	گواهی گرفتن از مردم		
۵	یادآوری پیمان‌های الهی		
۶	وعده عذاب از سوی خدا		
۷	آگاه کردن مردم		
۸	یادآوری نعمت‌های الهی		
۹	بیان آیات الهی		
۱۰	آزمایش مردم		
۱۱	نجات مؤمنان		
۱۲	فرستادن بلای مقطعی برای عبرت‌آموزی		
۱۳	تمسخر فرستادگان	مقابله با فرستادگان الهی	

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر		
۱۴	دشمنی با پیامبران				
۱۵	یاری فرستادگان توسط خدا				
۱۶	درخواست نابودی کفار توسط پیامبران				
۱۷	خلف وعده با خدا				
۱۸	تکذیب آیات الهی				
۱۹	انکار آیات الهی				
۲۰	مجادله در آیات الهی				
۲۱	تمسخر آیات الهی				
۲۲	تهمت به آیات الهی			نادیده گرفتن تعالیم فرستادگان الهی	سرپیچی از تعالیم و مقابله با فرستادگان الهی و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها برای هدایت
۲۳	فراموشی اندرزها				
۲۴	انکار نعمت در عین شناخت				
۲۵	پیمان شکنی				
۲۶	فراموشی خداوند				
۲۷	بی‌حالی و کم توجهی به اعمال نیک و عبادات				
۲۸	نپذیرفتن هدایت				
۲۹	عدم استفاده از مهلت الهی				
۳۰	عبرت نگرفتن از امت‌های هلاک شده				
۳۱	عدم انفاق				
۳۲	بی‌توجهی به کمک خداوند				
۳۳	بی‌توجهی به نشانه‌های عذاب				

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۳۴	نامیدی فرستادگان	بی نتیجه ماندن تلاش‌های فرستادگان الهی	
۳۵	بی تاثیر بودن تلاش هشداردهنده		
۳۶	پیروی از نیاکان گمراه	بی دینی	
۳۷	کفر		
۳۸	ایمان‌نیابردن		
۳۹	تکذیب قیامت		
۴۰	گمراهی		
۴۱	شرک		
۴۲	سرمستی		
۴۳	آرزومندی		
۴۴	هوسرانی	دنیا گرایی	
۴۵	خوشگذرانی		
۴۶	صرف نعمت‌ها در زندگی دنیا		
۴۷	سنگ‌دلی	گسترش ردائل اخلاقی در جامعه	فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه
۴۸	زیاد دیدن کردار زشت		
۴۹	غفلت		
۵۰	غرور		
۵۱	سرگرم شدن به باطل		
۵۲	نفاق و تمایل به منافقان		
۵۳	تکبر		
۵۴	ریا کاری		
۵۵	مکر		

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۵۶	دروغ		
۵۷	فخر فروشی		
۵۸	ناامیدی		
۵۹	اسراف		
۶۰	ظلم		
۶۱	ظلم بر خویشان		
۶۲	طغیان		
۶۳	گسترش فساد		
۶۴	فسق		
۶۵	نافرمانی	گسترش ظلم و فساد	
۶۶	زیانکاری		
۶۷	خطا کاری		
۶۸	تجاوزگری		
۶۹	فتنه‌گری	رواج معاصی و اعمال ناشایست	
۷۰	گناهکاری		
۷۱	گمراه کردن بندگان		
۷۲	خود ایمن‌پنداری		
۷۳	عدم درک آزمایش		
۷۴	پندار غلط نسبت به اعمال		
۷۵	محاسبات اشتباه		
۷۶	سرگردانی		
۶۹	فتنه‌گری	محرومیت از لطف خدا در اثر بی‌تدبیری و عدم درک شرایط	
۷۰	گناهکاری		
۷۱	گمراه کردن بندگان		
۷۲	خود ایمن‌پنداری		
۷۳	عدم درک آزمایش		
۷۴	پندار غلط نسبت به اعمال		
۷۵	محاسبات اشتباه		
۷۶	سرگردانی		

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۷۷	داوری و پیش‌بینی نادرست	محرومیت از لطف خدا	
۷۸	توهم قدرت		
۷۹	فریب شیطان		
۸۰	پیروی از شیطان		
۸۱	مهرشدن دل‌ها		
۸۲	حبط اعمال		
۸۳	رهاشدن توسط خداوند		
۸۴	لعن‌شدن توسط خدا		
۸۵	خشم الهی		
۸۶	فراوانی نعمت		
۸۷	بسته‌شدن راه نجات	تأخیر عذاب تا رسیدن مقرر	تأخیر عذاب تا رسیدن مقرر
۸۸	مهلت دادن		
۸۹	عذاب ناگهانی		
۹۰	رسیدن زمان مقرر		

۳-۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با علل جریان سنت استدراج به پنج مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۳-۳-۱. آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد

هدایت‌شده

یکی از مضامین فراگیری که در کاوش میان آیات مربوط به علل جریان سنت استدراج به‌دست آمد، آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی به هدف هدایت مردم

و همچنین نجات افراد هدایت شده است. آن طور که از آیات قرآن به دست آمد، در هیچ جامعه‌ای سنت استدراج به جریان نمی‌افتد مگر آنکه خداوند قبل از آن، فرد یا افرادی را برای هدایت و آگاه‌سازی آنان بفرستد.

این فرستادگان برای بیان آیات الهی و یادآوری نعمت‌های خداوند می‌آیند و تلاش می‌کنند تا با یادآوری پیمان‌های پروردگار با مردم و هشدار در مورد عذاب آنان را آگاه سازند. مردم این چنین جوامعی مورد آزمایش خداوند قرار می‌گیرند و اگر این مردمان از تعالیم فرستادگان خداوند سرباز زنند، آن گاه یکی از عوامل جریان سنت استدراج مهیا شده است؛ اما قبل از آنکه جامعه به علت نافرمانی مجازات شود خداوند افراد مؤمن و صالح را نجات می‌دهد.

۳-۲. سرپیچی از تعالیم و مقابله با فرستادگان الهی و بی‌نتیجه‌ماندن تلاش‌ها

برای هدایت

سرپیچی از تعالیم و مقابله با فرستادگان الهی و بی‌نتیجه‌ماندن تلاش‌ها برای هدایت جامعه، از دیگر مضامینی بود که از آیات مربوط به سنت استدراج به دست آمد. هرگاه افراد جامعه تعالیم فرستادگان الهی را نادیده بگیرند و خدا را فراموش کنند و آیات الهی را مورد انکار، تمسخر، تکذیب، مجادله و تهمت قرار دهند، به انجام اعمال نیک بی‌توجه باشند و از عذاب دیگران عبرت نگرفته و فرصت‌های الهی را به هدر دهند و از کمک‌های او بهره نبرند و نشانه‌های عذاب را نادیده بگیرند و علاوه بر آن به تمسخر فرستادگان الهی و دشمنی با آنان بپردازند، آن گاه فرستادگان تلاش‌های خود را بی‌نتیجه می‌بینند و از هدایت این جامعه ناامید گشته و از خداوند برای نابودی کفار استمداد می‌جویند که خداوند نیز آنان یاری می‌رساند. در صورت تکمیل این فرایند یکی دیگر از علل جریان سنت استدراج محقق می‌شود.

۳-۳. فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه

فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه از دیگر مضامین به دست آمده از آیات

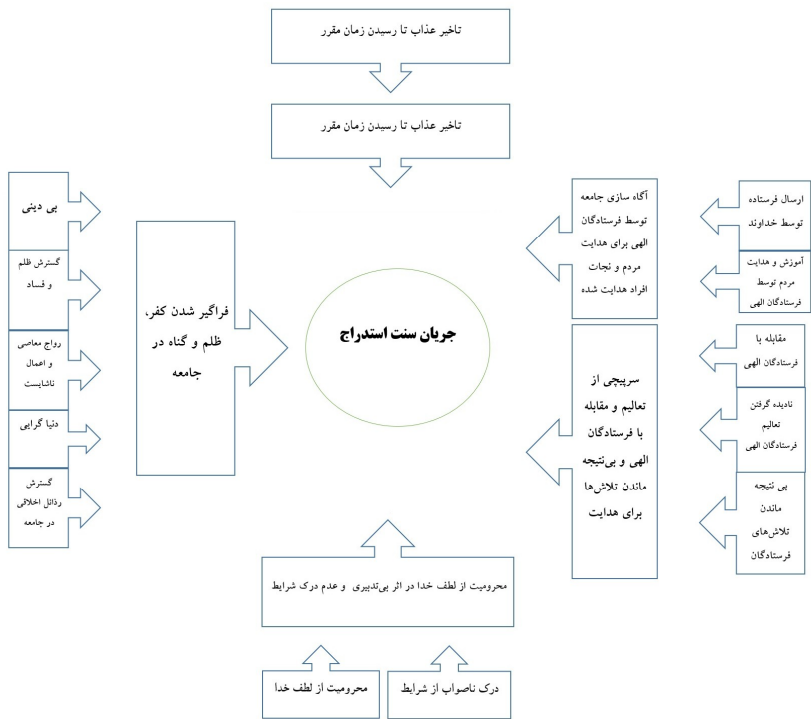
مربوط به علل جریان سنت استدراج است که رفتار افراد جامعه نقش مستقیمی در تحقق این مضمون دارد. هنگامی که مردمان سرمستانه نعمت‌هایی که در اختیار دارند را صرف زندگی دنیایی خود کنند و به خوشگذرانی و هوسرانی مشغول شوند و ردائل اخلاقی مانند دروغ، نفاق، تکبر، ریا، غرور، مکر، فخرفروشی، اسراف و سنگ‌دلی رایج شود و ظلم، طغیان، فسق و فساد گسترش یابد و افراد جامعه به پیروی از نیاکان گمراه خود ایمان نیاورند و راه شرک و کفر را در پیش گیرند، زمینه را برای جریان سنت استدراج فراهم می‌کنند و درواقع یکی از علل آن را با رفتار خود به وجود می‌آورند.

۳-۴. محرومیت از لطف خدا بر اثر بی‌تدبیری و عدم درک شرایط

تدبر در آیات مربوط به سنت استدراج نشان می‌دهد که بی‌تدبیری و درک ناصواب مردم از شرایط که بر اثر خود ایمن‌پنداری، عدم درک آزمایش‌های الهی، پندار غلط در مورد اعمال، محاسبات اشتباه، سرگردانی، داوری و پیش‌بینی نادرست، توهم قدرت و پیروی از شیطان حاصل می‌شود. در کنار این بی‌تدبیری افراد محرومیت از لطف خداوند نیز که آن‌هم ثمره رهاشدن از سوی خداوند، مهرشدن دل‌ها، حبط اعمال، لعن‌شدن توسط خدا، خشم الهی و بسته‌شدن راه نجات است، باعث ایجاد یکی دیگر از علل جریان سنت استدراج می‌شود.

۳-۵. تأخیر عذاب تا رسیدن زمان مقرر

مضمون دیگری که از آیات قرآن به دست آمد مربوط به زمان وقوع استدراج است. آن‌گونه که از تحلیل آیات معلوم شد، استدراج هنگامی به وقوع می‌پیوندد که زمان مقرر آن رسیده باشد، اما چون این زمان برای مردم مشخص نیست، عذاب و مجازاتی که بر خطاکاران نازل می‌شود ناگهانی جلوه می‌کند، اما قبل از نزول عذاب، مهلت‌هایی برای مردمان در نظر گرفته می‌شود تا رفتار خود را اصلاح کنند.



نمودار شماره ۲ تبدیل مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر

نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مضمونی به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین روش‌های تحقیق کیفی، در طی یک فرایند پنج مضمون فراگیر کشف گردید.

اول: آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت‌شده: این مضمون نشان می‌دهد که قبل از به جریان افتادن سنت استدراج، خداوند فرد یا افرادی را برای هدایت و آگاه‌سازی می‌فرستد و سنت پروردگار بر آن است که هیچ قومی بدون دریافت هدایت و آگاهی از عاقبت کارهای خود دچار استدراج نگردند. در انتها نیز اگر رفتار جامعه منجر به جریان این سنت شد، افراد مؤمن نجات پیدا کنند.

دوم: سرپیچی از تعالیم و مقابله با فرستادگان الهی و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها برای هدایت: این مضمون نشان می‌دهد که سنت استدراج در جامعه‌ای به جریان می‌افتد که اغلب افراد جامعه از پذیرش هدایت امتناع کرده و به مقابله با دعوت الهی آنان پردازند تا جایی که فرستادگان از هدایت جامعه ناامید شده و از خداوند برای نابودی کفار استمداد می‌جویند و خداوند نیز درخواست آنان را اجابت کند.

سوم: فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه: این مضمون نشان می‌دهد که آثار رفتار افراد جامعه مانند دنیا‌گرایی، بی‌دینی، گسترش ظلم و فساد، رواج معاصی و اعمال ناشایست و گسترش ردائیل اخلاقی در جامعه که موجب فراگیر شدن کفر، ظلم و گناه در جامعه است یکی از علل جریان سنت استدراج است.

چهارم: محرومیت از لطف خدا در اثر بی‌تدبیری و عدم درک شرایط: این مضمون نیز نشان می‌دهد که عدم درک صحیح افراد از شرایط و بی‌تدبیری آنان در امور و محرومیت از الطاف الهی یکی دیگر از علل جریان سنت استدراج است.

پنجم) تأخیر عذاب تا رسیدن زمان مقرر: این مضمون بیان می‌کند استدراج در زمان مقرر واقع می‌شود، ولی مردم از آن بی‌اطلاع هستند و برای آنان مهلت‌هایی از سوی خداوند در نظر گرفته می‌شود. به همین جهت در عین تدریجی بودن برای مردم ناگهانی محسوب می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۱۵ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲. ابن جوزی، جمال الدین. (۱۴۰۷ق). زادالمسیر فی علم التفسیر. بیروت: المکتب الاسلامی.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (به کوشش: محمد عبدالسلام هارون). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم. (۱۳۹۳). تأویل مشکل القرآن (به کوشش: سید احوود صفرا). قاهره: دارالتراث.
۵. ابن منظور. محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب (به کوشش: علی شیری). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه (به کوشش: عبدالغفور العطار). قاهره: بی نا.
۷. الحسینی، ریاض هاشم هادی. (۱۴۲۹ق). الاستدراج فی القرآن الکریم و السنة النبویه الشریفه. موصل: جامعه الموصل - کلیه العلوم الإسلامیه.
۸. خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.
۹. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (تصحیح: صفوان عدنان داوودی). بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه.
۱۰. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (تصحیح: علی هلالی و علی شیری). بیروت: دارالفکر.
۱۱. زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۲. شوکانی، محمد بن علی. (بی تا). فتح القدر. بیروت: دارالمعرفه.
۱۳. شیخ زاده، محمد؛ عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. ۵ (۲)، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۵ق). تفسیر جوامع الجامع. بیروت: دارالاضواء.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. طیب، سیدعبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۸ق). الاصفی فی تفسیر القرآن. بی جا: مرکز دراساة الاسلامیه.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (چاپ دوم). قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۱. محمدی گیلانی، محمد. (۱۳۷۵). قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر. تهران: نشر سایه.
۲۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۶). استدراج (سقوط گام به گام). قم: بوستان کتاب
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگان قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
۲۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. معموری، علی. (۱۳۸۶). بررسی سنت استدراج در قرآن و میراث تفسیری. مطالعات قرآن و حدیث، ۱(۱)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۵). تفسیر نمونه (چاپ دوازدهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نحاس، ابوجعفر. (۱۴۰۹ق). معانی القرآن (به کوشش: محمدعلی صابونی). عربستان سعودی: جامعه ام القری.

28. ttrid-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, pp. 385-405.
29. Patton, M.Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.

References

*The Holy Quran.

1. Al-Hassani, R. (1429 AH). *Al-Istidraj fi al-Qur'an al-Karim va al-Sunnah al-Nabawiyah al-Sharifah*. Mosul: Jami'ah al-Musil- Kuliyyah al-Ulum al-Islam. [In Arabic]
2. Center for Qur'anic Culture and Education. (1386 AP). *Istidraj*. (step by step fall). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
3. Fayumi, A. (1414 AH). *Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir*. (2nd ed.). Qom: Dar al-Hijra Institute. [In Arabic]
4. Feiz Kashani, M. M. (1418 AH). *Al-Asfa fi Tfsir al-Qur'an*. Center for Islamic Studies. [In Arabic]
5. Ibn Abi Al-Hadid, A. (1415 AH). *Sharhe Nahj al-Balaghah*. Beirut: A'alami Institute. [In Arabic]
6. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqaees al-Loqah*. (Haroon, M. A. Ed.). Qom: Islamic Propaganda Office. [In Arabic]
7. Ibn Jowzi, J. (1407 AH). *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir*. Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
8. Ibn Manzoor. M. (1408 AH). *Lisan al-Arab*. (Shiri, A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
9. Ibn Qutaybah Dinvari, A. (1393 AP). *Ta'wil Mushkil al-Qur'an* (Saqr, S. A, Ed.). Cairo: Dar al-Torath. [In Persian]
10. Johari, I. (1376 AP). *Al-Sahah Taj Al-Lugha va Sahah Al-Arabiya*. (Al-Attari, A. Ed.). Cairo. [In Persian]
11. Khanifar, H., & Moslemi, N. (1396 AP). *Principles and foundations of qualitative research methods*. Tehran: Negahe Danesh. [In Persian]
12. Makarem Shirazi, N. et al. (1375 AP). *Tafsir Nemouneh*. (12th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]

13. Mamouri, A. (1386 AP). A study of the tradition of Istidraj in the Qur'an and interpretive heritage. *Quran and Hadith Studies*, 1(1), pp. 103-128. [In Persian]
14. Mesbah Yazdi, M. T. (1368 AP). *Society and history from the perspective of the Qur'an*. Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
15. Mohammadi Gilani, M. (1375 AP). *Quran and divine traditions in human society*. Tehran: Nashre Sayeh. [In Persian]
16. Mustafawi, H. (1368 AP). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran Al-Karim*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
17. Nahas, A. (1409 AH). *Ma'ani al-Qur'an* (Sabuni, A. Ed.). Saudi Arabia: Jame' Umm al-Qura. [In Arabic]
18. Patton, M.Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.
19. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat al-faz al-Qur'an*. (Davoodi, S. A., Ed.). Beirut - Damascus: Dar al-Qalam - Dar al-Shamiya. [In Arabic]
20. Sheikhzadeh, M., & Abedi Jafari, H., & Taslimi, M. S., & Faqih, A. (1390 AP). Content Analysis and Theme Network: A simple and efficient way to explain patterns in qualitative data. *Quarterly Journal of Strategic Management Thought*. 5(2), pp. 151-198. [In Arabic]
21. Shokani, M. (n.d.). *Fath al-Qadir*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
22. Tabarsi, F. (1405 AH). *Tafsir Jawami' al-Jame'*. Beirut: Dar Al-Azwa. [In Arabic]
23. Tabarsi, F. (1406 AH). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Arabic]
24. Tabatabaei, S. M. H. (1393 AH). *AL-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: A'alami. [In Persian]

25. Tayyib, S. A. (1378 AP). *Atib al-Bayyan fi Tafsiṣ al-Quran*. (2nd ed.). Tehran: Islam Publications. [In Persian]
26. ttrid-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, 1(3), pp. 385-405.
27. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsiṣ al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
28. Zarkeshi, M. (1415 AH). *Al-Burhan fi Olum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
29. Zobeidi, M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. (Hilali, A., & Shiri, A. Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]